

# ظرفیت محدود فرا فکنی

## عباس عبدي

گفته میشود که چند وزیر از کشورهای منطقه عازم تهران هستند. یکی از مواردش حل مساله ذخایر بلوکه شده ایران در کره جنوبی است، بنابراین خبر را مثبت و خوشحالکننده توصیف میکنند. این یادداشت در مقام توضیح این نکته است که حل پولهای بلوکه شده ایران به شرطی مفید است که در ذیل يك برنامه اجرایی مهمتر یعنی حرکت به سوی کم شدن تنشها در روابط خارجی کشور باشد. البته در همین ابتدا توضیح دهم که تنشهای روابط خارجی کشورهای منطقه رو به تزاید است و این وضعیت، اثرات زیانباری بر توسعه کشورهای منطقه دارد. به علاوه دستهای فرامنطقه‌ای نیز در تشدید این تنشها فعال هستند، ضمن آنکه تنش موجود میان غرب و روسیه و تا حدی با چین به اندازه کافی بر روابط خارجی کشورها اثرات منفی دارد. بنابراین قصدم نادیده گرفتن این حقایق نیست، ولی وظیفه هر دولتی است که فارغ از این مسائل کوشش کند، آثار و عوارض منفی این شرایط را در کشور خود به حداقل برساند، زیرا ناپایداری در روابط خارجی نقش مهمی در توقف رشد اقتصادی دارد و به لحاظ روحی و روانی نیز اثرات منفی بر مردم دارد. ایران اکنون همچنان درگیر مناقشات گوناگونی است. تحریمها و برجام، مسائل خاورمیانه و سوریه و لبنان، جنگ یمن، مسائل عراق و کردستان عراق، بحران افغانستان و مهاجران، احتمالا مشکلات پاکستان، همچنین تا حدودی غیرمستقیم درگیر منازعه اوکراین نیز هست. به علاوه هر لحظه ممکن است میان باکو و ارمنستان نیز مشکلاتی پیش آید و ایران را متاثر کند. روابط با کشورهای جنوبی خلیج فارس جز عمان و قطر در شرایط پایدار نیست، با ترکیه هم مشکلات خاص خود را داریم. صادرات نفت و مبادلات اقتصادی نیز میتواند روی دریا و نفتکشها مشکل‌آفرین باشد. خلاصه این است که مجموعه این شرایط موجب افزایش شاخص ریسک کشوری میشود و با پرداخت ۴۷۰ میلیون دلار بدهی بریتانیا یا هفت میلیارد دلار کره جنوبی و... در ازای آزادی چند زندانی، مشکل این ریسک حل نمیشود. ریسکی که زیانهایش در برگه‌های حسابداری مالی دولتها نوشته نمیشود، ولی آن ۴۷۰ میلیون دلار فوری ثبت و درج میشود.

پس از انتخابات خرداد ۱۴۰۰ و با یکدست شدن کامل قوا یکی از

مهم‌ترین موانع برای اتخاذ سیاست‌های خارجی و داخلی، فراتر از اختلافات جناحی برداشته شد. آثار این فرآیند در سیاست خارجی تا حدودی مشهود است، از جمله سکوت نسبی نظامیان در مسائل خارجی است. اگر برخی سخنان وزیر خارجه فعلی را ظریف میزد، توپخانه‌های رسمی و غیر رسمی علیه او آتش به پا می‌کردند، ولی اکنون همگان یا سکوت می‌کنند یا حمایت. با این حال به نظر می‌رسد که این همسویی کامل قوا هنوز نتوانسته است به مراحل ثمربخش برسد و نمونه‌اش برجام و اوضاع منطقه است. البته آنچه امید ما را به نتایج این یکدستی کاهش می‌دهد، مشاهده تفرق نیروهای حکومت در حوزه‌های داخلی است که در ماجرای ورود زنان به ورزشگاه مشهود بود. در این ماجرا انتظار میرفت که دولت یکدست، تصمیم شفاف و روشنی بگیرد و آن را قاطعانه اجرا کند و اجازه ندهد برخی افراد غیرمسئول این وضعیت تاسف‌بار را ایجاد کنند. شاید این رویداد درسی باشد تا پس از این شاهد موارد مشابه نباشیم.

در سیاست‌های اقتصادی احتمال کمی وجود دارد که در کوتاه‌مدت چنین رویکرد هماهنگی را اتخاذ کنند. برای اینکه اصولاً رسیدن به درک روشنی از برنامه اقتصادی زمانبر است و نیازمند مقدماتی است که ظاهراً وجود ندارد. تازه می‌خواهند کارشناسان اقتصاد اسلامی!! را برای رسیدن به یک برنامه واحد بسیج کنند.

اگر چه یکدستی حکومت بیشترین اثر مثبت خود را در سیاست خارجی گذاشته، ولی حتی در این زمینه هم هنوز به نتایج ملموسی نرسیده است. انتظار میرفت که یکدستی قوا در ایران از تنش‌های درون قدرت کم کند و اجازه ندهد که واقعیت مشکلات در پس پرده رقابت‌های جناحی پنهان شود. مجموعه ساختار قدرت خوب می‌دانند که فرافکنی ظرفیت محدودی برای توجیه ضعف‌ها دارد. ظرفیتی که تمام شده است. باید هر چه زودتر سیاست روشنی را در روابط خارجی، اقتصادی، داخلی و فرهنگی به نمایش بگذارند و آماده پذیرش هزینه‌ها و منافع این سیاست‌ها باشند.

منبع: روزنامه اعتماد 24 فروردین 1401 خورشیدی